

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۲۵

نویسنده: بهادر ا کومار

منبع: اندین پنچ لاین ۲۱ جون ۲۰۱۹

مترجم: رسول رحیم

## اعتبار ایالات متحد امریکا با در جازدگی در منازعه ایران خدشه دار شد

انصراف ناگهانی رئیس جمهور دونالد ترامپ از آن تصمیمش که در مورد حمله نظامی به ایران گزارش شده بود، بیانگر پیچیدگی فزاینده درگیری بین ایالات متحد امریکا و ایران است. در واقعیت امر شجاعت سیاسی می خواهد تا در چنین اوضاع خطرناک محاسبه نمود که حزم و احتیاط بهتر از دلیری و رشادت است. ترامپ به قدر کافی هوشمند بوده است. با اینهم پیامدهای نامطلوبی نیز به دنبال دارد. به نظر می رسد که اداره ترامپ فلج گردیده است و ابتکار اقدامات دیپلماتیک را تهران در دست گرفته است.



چه چیزی ترامپ را به باز اندیشی برانگیخت؟ مسلماً مشروعیات اظهارات ایران که آن هواپیمای بی سرنشین جاسوسی امریکائی را سقوط داده است که داخل قلمرو فضائی اش بود ( در حقیقت از آن به بعد ایران مدعی شد که لاشه هواپیمای بی سرنشین امریکائی را در آبهای جنوبی این کشور سقوط داده است). در چنین مواردی ایالات متحد امریکا یک سابقه دروغگوئی دارد. به یاد آوریم سقوط دادن برنامه ریزی شده هواپیمای مسافربری ایرانی در پرواز "ای - ۳۰۰" را، در سال ۱۹۸۸ توسط راکت زمین به هوای نوع "اس ام-۲" که از کشتی "یواس اس ونسنز" شلیک شده بود و موجب کشته شدن ۲۹۰ سرنشین هواپیما به شمول ۶۶ کودک گردیده بود. ایالات متحد امریکا در سطح معاون رئیس جمهور آن کشور که در آن وقت بوش پدر بود گفت: «من از جانب امریکا معذرت خواهی نمی کنم، برای من مهم نیست حقایق از چه قرار اند، من به حیث یک مرد امریکائی معذرت نمی خواهم.» واشنگتن فقط چند سال پس از آن، در سال ۱۹۹۶ توافق نمود تا در صورت قطع دعوائی که ایران در دادگاه بین المللی جزا اقامه نموده، برای حل مساله ۱۳۱٫۸ میلیون دالر جبران خسارت بپردازد.

معلوم نیست که ترامپ چه طور دقیقاً در یافته است که این هواپیما مربوط به یک ماموریت جاسوسی بوده و به طور وحشتناکی دچار اشتباه گردیده، بی موقع و بدون ملاحظه کاری، تحریکی را علیه ایران به وجود آورده است. البته انتظار قبول گناه نمی رود، اما ترامپ ظاهراً تصمیم گرفت تا جنگ را بر مبنای دروغ پردازی شروع نکند. البته در یک اظهار نظر کارشناسانه که در نشریه "اتلانتیک" انتشار یافته است، به طور جزوار از «حقایق ناخوش آیندی» تذکار به عمل می آید که امریکا در طول تاریخش «کشورهائی را مورد حمله قرار داده است که برایش تهدیدی نبوده اند. برای راه اندازی چنین جنگهائی، رهبران ایالات متحد امریکا بهانه هائی را طراحی نموده اند تا تهاجم امریکا را توجیه نمایند. این چیزی است که اداره دونالد ترامپ و به ویژه جان بولتون مشاور امنیت ملی او، اکنون با ایران انجام می دهد.»

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

طبق گزارش "نیویارک تایمز" مشاوران امنیت ملی آمریکا در مورد این که پس از سقوط دادن هواپیمای بی سرنشین جاسوسی آن کشور توسط ایران که در قلمرو هوایی آن کشور داخل شده بود، آیا به ایران "پاسخ نظامی" بدهند، دچار اختلاف نظر بودند.

مقامات ارشد اداره ترامپ به این روزنامه گفته اند که مایک پمپو وزیر خارجه، جان بالتون مشاور امنیت ملی و جینا هسپل رئیس "سی آی ای" جانبدار حمله نظامی بوده اند. «اما مقامات ارشد پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) هشدار داده اند که چنین اقدامی می تواند منجر به وخیم تر شدن اوضاع و ایجاد خطر برای نیروهای آمریکایی در منطقه گردد.»

به هر صورت هشیاری ترامپ در آنست که می داند جنگ با ایران خطرناک است و آمریکا فقط با پرداختن بهای بسیار زیاد می تواند در آن برنده شود و شاید به سرنگونی ریاست جمهوری وی منجر گردد.

دوم اینکه در جامعه بین المللی کسی جانبدار جنگ علیه ایران نیست. حتی امارات متحد عربی و عربستان سعودی دچار ترس شده اند (ایران افشا نموده است که هواپیمای بی سرنشین آمریکایی از امارات متحد عربی برخاسته است). فرانسه علناً عدم توافق خود را از این درجاذگی در منازعه بین آمریکا و ایران ابراز داشته است که این بیانگر طرز برداشت در اروپاست. ترامپ شاید در یافته باشد که هر اقدامی علیه ایران توسط ایالات متحد آمریکا، بدون همراهی دیگران خواهد بود. در این شکی نیست که یک بخش با نفوذ افکار عامه آمریکایی شروع به مخالفت با حمله نظامی علیه ایران نموده است. (این نکته را می توان با مشاهده ویدیوی پی برد که خبرنگار "بی بی اس" موضوع را با استیون هدی مشاور امنیت ملی پیشین در زمان جورج واکر بوش و ژرارد ارود سفیر پیشین فرانسه در میان می گذارد)

پس چه احتمالی در پیش رو قرار دارد؟ آنچه روشن است اینکه به نظر می رسد تا کنون ترامپ در صدد راهیست تا از یک بحران نظامی جدی بالقوه با ایران خود داری کند. با اینهمه خطر وخامت یافتن اوضاع باقی می ماند. زیرا در هر دو کشور تندرانی وجود دارند و هر دو جناح شاید بر وخامت اوضاع بیفزایند، زیرا وقتی که دو دشمن در حال حدس زدن نیات یکدیگر، در قبول مخاطرات زیاده روی کنند، همواره پیامدهای نامرئی وجود می داشته باشد. اساساً سیاستهای ترامپ فاقد انسجام و وضاحت اند. سیاست "فشار اعظمی" وی به ذات خود یک هدف است. این سیاست منحصر به دستیابی به یکی از این دو هدف می گردد: تسلیم شدن کامل ایران و یا منفجر گرداندن رژیم ایران از درون. هیچ یک از این دو هدف واقع بینانه نیستند.

به راحتی می توان در یافت که آنچه ایران شاید از این حادثه سقوط دادن هواپیمای بی سرنشین حاصل نموده باشد، نه تنها به نمایش گذاشتن قابلیتش می باشد، بلکه اراده سیاسی و تصمیمش را برای مقابله با «جنگ اقتصادی» ایالات متحد آمریکا نشان می دهد. بالمقابل ایالات متحد آمریکا چنین تهدید و اجبار را علیه ایران از طریق خساره مند گرداندن مناسبات اقتصادی ایران با بقیه جهان اعمال کرده است. این امر موجب می گردد که افزایش فشار به نقطه ای برسد که نه تنها ایران آسیب ببیند، بلکه ایالات متحد آمریکا و متحدان منطقوی اش نیز از آن متضرر گردند.

ببینید، مقاومت شدت اش را تغییر داده است. حمله موشک ایرانی بر هوا پیمای بدون سرنشین ایالات متحد آمریکا در خلال دو روزی صورت گرفت که ترامپ رسماً نامزدی اش را برای انتخابات ماه نوامبر ۲۰۲۰ اعلام کرد. چنین اقدامی که با احتیاط سنجیده شده است، برای تشدید اوضاع بوده و در خدمت این هدف است تا به ترامپ نشان بدهد که در اذای مصیبتهای ناگفتنی ای که او از بابت عدم دسترسی به مواظبتهای صحی، دارو و مشقات شدید اقتصادی بر مردم ایران تحمیل نموده است، بهای گزافی خواهد پرداخت. مطمئناً روز سه شنبه، آغاز مراسم جشن گونه شروع مبارزات انتخاباتی در ورزشگاه "اموی سنتر" واقع در مرکز شهر "اورلند"، پیشاپیش تحت الشعاع کوبیدن کوس جنگ قرار گرفته بود.

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، هیچ بدیلی دیگری برای تعامل دیپلماتیک مستقیم ایالات متحد آمریکا و ایران وجود ندارد. اما برای آنکه چنین چیزی اتفاق بیفتد، باید ژست یا اشارت و افاده مثبتی از جانب ایالات متحد آمریکا نشان داده شود. دست کم تهران انتظار دارد که اداره ترامپ کشورهای سومی را معاف گرداند تا بتوانند نفت ایران را وارد کنند.

مطمئناً ایالات متحد آمریکا از ماه می سال گذشته به اینسو تصمیم گرفته است سلسله تنشهایی را شروع کند تا از توافق هسته ئی با ایران بیرون رود و اکنون این مسئولیت اداره ترامپ است که این ژست یا اشارت و افاده مثبت را از خود نشان بدهد. این که ترامپ به چه ترتیبی می تواند به چنین اقدامی مبادرت ورزد، خود سوال بزرگیست. سیاست مهاجم و مغشوش اداره ترامپ در برابر ایران، اعتبار ایالات متحد آمریکا را خدشه دار ساخته است.

پایان